

بازخوانی و نقد روایت مطهری از اسلام در ایران (اسلام ایرانی)

محمدباقر تاج‌الدین^۱

خدمات متقابل اسلام و ایران عنوان کتابی است که توسط مرحوم مرتضی مطهری به رشته تحریر در آمد و در آن کوشش شده است ضمن چگونگی ورود اسلام به ایران، خدماتی که این دو تمدن به یکدیگر روا داشته اند مورد بررسی قرار گیرد. مطهری ضمن نقد برخی روایت‌ها مانند این که ورود اسلام به ایران را یک هجوم و حمله غیر انسانی و غیر اخلاقی دانسته اند و یا دو قرن سکوت در ایران به واسطه ورود اسلام و مواردی از این دست، به زعم خودشان و مبتنی بر اسناد و مدارک معتبر در صدد بر آمدند واقعیت‌های تاریخی در این زمینه را مورد واکاوی مجدد قرار دهند. مطهری به خوبی واقف بود که تمدن اسلامی به دلیل مواجهه با فرهنگ و تمدن کهن ایرانی توانسته رشد و نمو مناسبی یابد و به شکوه و عظمت خارق‌العاده‌ای برسد. روشن است که اثر حاضر بیش و پیش از آن که یک اثر تحقیقی و تاریخی متقن در جهت فهم درست، منطقی و پدیدارشناسانه درباره موضوع مورد نظر باشد یک اثر کلامی (تئولوژیک) است که تماماً سعی در دفاع از دین اسلام داشته است. در این زمینه مطهری معتقد است که: «نظر به این که غالباً کسانی که در مسائل مشترک اسلام و ایران قلمفرسایی کرده اند یا اطلاع کافی نداشته اند یا انگیزه‌ای غیر از تحقیق محرک آنها بوده است» (مطهری، ۱۳۶۲: ۱۵). ایشان معتقدند که همه کسانی که در این زمینه تحقیق کرده اند کارشان غیر متقن و نا استوار بوده و اکنون ایشان یعنی آقای مطهری در صدد برآمده اند که موضوع را روشن کنند. اما گویی متوجه نبوده اند که دیدگاه و کوشش ایشان در این زمینه یکی دیگر از کوشش‌هایی است که تاکنون انجام گرفته و همانند سایر دیدگاه‌ها لازم است که مورد نقادی قرار گیرد تا عیار آن مشخص شود. این که مطهری دیگران را به عدم اطلاع و انگیزه غیر تحقیقی متهم می‌کند نشان از غلبه نگاه جدلی بر نگاه فهم حقیقت در ایشان است. بر این اساس می‌توان گفت «اندیشه مطهری مثل هر تفکر کلامی دیگر به شدت اسیر و تابع مفروضات از پیش پذیرفته شده و مسلم است. اندیشه مطهری اندیشه‌ای جدلی است یعنی بیش از آن که متعهد به "فهم حقیقت" باشد، متعهد به "اثبات باورهای کلامی و اعتقادی" خویش است و "باورهای نهادینه شده تاریخی و اعتقادی خودش" را "عین حقیقت" تلقی می‌کند» (عبدالکریمی، ۱۳۹۶: ۲۱). البته ناگفته نباید گذاشت که تمام سعی و تلاش مطهری در جهت خوانشی غیر

^۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

جانبدارانه از ورود اسلام به ایران بود و در مواردی هم موفق بوده است و نکات ارزشمندی را هم مطرح کرده اند. اما واقعیت این است که به دلیل غلبه نگاه متکلمانه مطهری بر نگاه مبتنی بر "فهم حقیقت" این اثر به رغم داشتن برخی محسنات و ارزشمندی‌ها نتوانسته موفقیت چندانی داشته باشد.

برای نمونه به متن زیر بنگرید: «حقیقت این است که علت تشیع ایرانیان و علت مسلمان شدنشان یک چیز است ایرانی روح خود را با اسلام سازگار دید و گم گشته خویش را در اسلام یافت. مردم ایران که طبعاً مردمی باهوش بودند و به علاوه سابقه فرهنگ و تمدن داشتند بیش از هر ملت دیگر نسبت به اسلام شیفتگی نشان دادند و به آن خدمت کردند. مردم ایران بیش از هر ملت دیگر به روح و معنی اسلام توجه داشتند، به همین دلیل توجه ایرانیان به خاندان رسالت از هر ملت دیگر بیشتر بود و تشیع در میان ایرانیان نفوذ بیشتری یافت. یعنی ایرانیان روح اسلام و معنی اسلام را در نزد خاندان رسالت یافتند، فقط خاندان رسالت بودند که پاسخگوی پرسش‌ها و نیازهای واقعی روح ایرانیان بودند» (مطهری، ۱۳۶۲: ۱۳۳). در نمونه‌ای دیگر مطهری از کتاب سفینه البحار در ماده ولی نقل می‌کند که: امام علی گفته است که به خدا قسم از پیامبر اسلام شنیدم که می‌فرمودند: در ابتدا شما ایرانیان را به خاطر اسلام با شمشیر خواهید زد و سپس آنها شما را به خاطر اسلام با شمشیر خواهند زد» (همان: ۱۳۵). این در حالی است که مرحوم مطهری از ابتدای کتاب مرتباً کوشش کردند که ثابت کنند که ایرانیان هرگز با زور شمشیر اسلام نیاوردند و کاملاً با طوع و رغبت دست به چنین کاری زدند و این کوشش ایشان با جملاتی که از پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) و سایرین آورده اند در تناقض است.

به نظر می‌رسد که مطهری ساده‌انگارانه و تقلیل‌گرایانه تاریخ ایران مقارن ورود اسلام به این کشور را مورد بررسی قرار داده است و نتایج کاملاً دلخواهانه گرفته است. گویی ایشان همه این داده‌ها را از قبل اثبات شده دانسته و آنگاه بر اساس میل و علاقه‌ای که داشته و مهم‌تر بر اساس طرحی ذهنی که داشته است همه را مدون نموده است. به عنوان نمونه‌ای دیگر ایشان می‌گوید: «خوشبختانه تاریخ اسلام و همچنین تاریخ ایران مقارن ظهور اسلام روشن است و به سهولت می‌توان حقیقت را دریافت» (همان: ۱۴۷). به راستی مطهری از کجا و بر اساس کدام مدارک و استناد این گونه قاطعانه در باره تاریخ دور سخن می‌گوید و تازه ادعا می‌کند که هر چه جلوتر آمدیم این موضوع روشن‌تر شده است و این یک خطای معرفتی و ذهنی است که مطهری مرتکب می‌شود چرا که اتفاقاً در دوره‌های اخیر مبهم بودن تاریخ گذشته بیشتر روشن شده است.

در مجموع می توان گفت که مطهری به رغم کوشش های بسیار ارزشمند شان در بازخوانی ورود اسلام به ایران و حیات اسلام در ایران به دلایلی چون غلبه نگاه های متکلمانه، غیر تاریخی، جدلی، سنتی (زیست جهان سنتی)، ذات گرایانه و تقلیل گرایانه توفیق چندانی در این اثر نداشته و بر این اساس لازم است به بازخوانی و نقد روایت ایشان پرداخته شود.

واژگان کلیدی: اسلام، ایران، اسلام ایرانی، کلام، فهم حقیقت، مطهری